

مخمل سرخ رویا مجموعه‌ای است از هفت جُستار: گردِ اندوه او بر چهره‌ی او: قیصرِ پرتغال سلما لاگرلوف از منظرِ نظریه‌ی باختین، رمزگان‌های دوگانه‌ی حیرانی: تأملی کوتاه بر رسوایی‌ی کوتزی بر مبنای تکه‌هایی از ضد ادیپ دلوز و گتاری، مخمل سرخ رویا: نگاهی به بچه‌ی یک‌شنبه‌ی اینگمار برگمان از منظر زیگموند فروید، موجِ مرگ دوست: پیرمرد و دریای ارنست همینگوی در آینه‌ی نظریه‌ی رمان گئورک لوکاچ، قحطی-ی صبح چرا است؟: نگاهی به وقتِ تقصیرِ محمدرضا کاتب از چشمِ رولان بارت، زیر بارانِ خدایانِ اندوه: نگاهی کوتاه به مده‌آی ائورپیدس با توجه به نظریه‌ی ارسطو، برهوت بازی‌ی سفرِ بی‌سودا: نیم نگاهی از چشم نورتروپ فرای به من تا صبح بیدارم جعفرِ مدرس صادقی.

همه‌ی این جُستارها به این هدف نوشته شده‌اند که تکه‌ای از یک رنگین‌کمان باشند؛ برآمده از خوانشِ هفت رمان از هفت منظر.

در سه جُستار «تمامیت» اندیشه‌ی یک نظریه‌پرداز محک بوده است: میخائیل باختین، رولان بارت، زیگموند فروید، در سه جُستار یک کتاب: ژیل دلوز و فلیکس گتاری، ارسطو، گئورک لوکاچ، در یک جُستار تنها یک جُستار: نورتروپ فرای.

برای این کتاب نخست نام یک برگ از هزاران برگزیده شده بود، این نام اما، سرانجام به زیرعنوان انتقال داده شد. حکایت هم‌چنان باقی است: این کتاب یک برگ است از هزاران؛ رنگین‌کمان کوچکی از بسیاران رنگین‌کمانی که شاید بر آسمانِ ما نشسته‌اند؛ که خوانش هر اثر تلاشی است برای فهمِ معنای دیگری از قاره‌ای از وجودِ انسان که در هزاران برگ سرگردان است.